

این دوشخص را نیز یکسان بشمار خواهد آورد!
 آیا کسی که تنها از علوم فیزیک یا شیمی یا گیاهشناسی یا حیوان
 شناسی یا روانشناسی یا حساب یا سائر علوم ریاضی یا علوم اجتماعی یا علوم
 دینی بخدا آشنا و پروردگاری او دانا گردد مانند کسی است که از راه
 اطلاع بر همه علوم و تمام صنائع و فنون و بواسطه مطالعه و دقت در تمام
 نواحی و شئون عالم وجود بار پی برده باشد و دل همه ذرات را شکافته
 و در درون همه بادیده علمی پرورش خدا را واقف گردیده و آفتاب
 تربیت را در میان همه دریافته است؟!

اگر خردی ناقص یافت شود که ناقص و کاملرا مساوی و کم و زیادرا
 هم اندازه و برابر بیندیشد این دو گونه عالم نیز بحساب او مساوی
 بشمار خواهند رفت!!

~~*

پس اهل اسلام بحکم این آیه از نخستین سوره کتاب آسمانی،
 در فرا گرفتن علوم متنوع و حتی فرا گرفتن زبانهای بیگانه که
 موجب آشنائی ب فنون و علوم مختلف و در نتیجه، باعث زیادت معرفت
 بآفریدگار و پروردگار میباشد تا آنجا که میتوانند باید کوشش کنند و
 خود را از راه کثرت اطلاع و احاطه بر علوم، کامل سازند تا خویشتر را
 در خداشناسی بعد کمال امکانی، که بالا ترین مراتب سعادت انسانی است
 برسانند تا چون آفریننده و پروردگار را سپاس گزارند متوجه باشند
 که چه میکنند؟ و چرا میکنند؟ و چگونه میکنند؟

دین مقدس اسلام تا این حد با تحصیل علم و ترویج آن همراه و
 موافق است و نسبت بلزوم آن راهنما و مشوق پس اگر اهل اسلام هم
 از خواب کران خویش بیدار گردند و کوشش کنند که در میان این

امت دانیانی تا این پایه عالم و مایه دار پدیدار آیند بی تردید جامعه دیرتو راهنمایی و رهبری آنان بکمال خواهد رسید و در نتیجه حکومت مطلقه برای دین و غایب حتمی نصیب اهل ایمان و فرمانروائی کامل بعهدۀ فضل و فضیلت خواهد بود.

از آنچه گفته شد اندازه ندانی یابی انصافی برخی از نویسندگان که مینویسند علم و دین باهم منافات دارد روشن میگردد.

در بارۀ این گفته باید گفت این سخن اگر راست باشد درباره غیردین اسلام است و بی تردید دین اسلام نه تنها با علم منافات ندارد بلکه با کمال صراحت و متانت، رواج و توسعه آنرا پشتیبانی و تایید و تحصیل و تکمیلش را تقویت و تاکید میکند. چنانکه در طی این تفسیر اگر تقدیر باشد مواردی بسیار که شاهد این ادعا میباشد تحریر خواهد شد بی تردید نخستین باری که موضوع تنافی علم و دین مورد نظر و بحث گشته و درباره اثبات و نفی آن گفتگو بعمل آمده است در میان دانشمندان مسیحی و در اروپا بوده است چه پس از اینکه اروپائیان از راه کتب علمی دانشمندان اسلامی، معلوم آشنا گشته و اندک اندک بترقیاتی نائل آمده و اختراعات و کشفیاتی نموده اند و غالب گفته‌ها و اندیشه‌های علمی را با عادات و افکار و اوهام عمومی که نتیجه تربیت های جاهلانه و متعصبانه کشیشان قرون وسطی میبوده، مخالف دیده اند پس قهرامیان این دو گونه آراء اصطکاک و مزاحمت پدید گردیده بویژه که صاحبان عادات و تقالید دینی سخت از پیشرفت و پیروی آراء و افکار علمی جلوگیری و ممانعت میکرد و این جلو گیری را هم بحساب دین میگذاشته اند و راستی را علوم با دینی که از کشیشان کور کورانه و بطور تقلید صرف

هیگر گرفته‌اند و اینان هم فعال مایشاء بوده و کوشش میداشته‌اند که مردم از دانش و علم دور باشند تا بحکومت مطلقه و سیادت بی معارضه ایشان لطمه‌ای وارد نیابد سخت مخالفت همین‌گونه و ناگزیر اهل علم نیز دین را مروج جهل و خرافات و ارهام میشناخته و می شناسانده و در راه اثبات استحکام بنیان علم و استدلال بر سستی و ناستواری اساس و بنیان دین کوشش میکرده اند پس در عین حال اینکه منافات این دورا میرسانده بی‌پروپائی احکام کلیسا را که بعنوان دین خوانده میشده نیز ثابت و مدلل میداشته‌اند .

این بحث در اروپا بمیان آمده و صحت مبانی علمی و ظهور نتایج قطعی آن بتدریج کار دین را ساخته و آنرا از اوج عظمت مصنوعی که در جامعه مسیحیان میداشته پائین آورده و سیطره کلیسا و جبروت پاپ و کشیش را تا مقداری زیاد درهم شکسته و کم کرده است و تاسفی هم بر آن نیست .

چیزی که بسیار مایه تأسف میباشد اینست که در میان تقلیدهای نابجا و نادرستی که کم و بیش در ایران پدید آمده تقلید کورکورانه ایست که برای برخی از جوانان کم اطلاع در خصوص این موضوع بوقوع پیوسته و برآستی این همان تقلید است که درباره اش باید گفت « ای در صد لعنت بر این تقلید باد »

اگر اروپائی در علوم پیشرفت کرده و اگر کشیشان از پیشرفت علوم در آنجا جلو می‌گرفته‌اند و اگر بفرضی بسیار دور اصول دین مسیح هم مانع پیشرفت شناخته شود و همه این امور ایجاب کنند که دانشمندان اروپائی و حامی پیشرفت علوم عصری با دین مسیح مخالفت کنند و آن دین را